

بسم الله الرحمن الرحيم

قصه‌های مثنوی (۲)

بازآفریده: رضا شیرازی



پیام محراب

عنوان قصه‌ها

۷	طوطی و یاران
۱۹	شیر بی دُم و.....
۲۷	لعنت بر این تقلید
۳۳	او علی علیه السلام است
۴۱	سه ماهی عاقل، نیم عاقل و نادان
۴۵	کودکی بر ناودان
۴۹	کاسه‌ای پُر از خون
۵۷	اسوه‌ی اخلاق
۶۵	مأموریت فرشته‌ها
۷۱	بالا تر از انتقام
۸۱	شیر و روباه و الاغ
۹۵	بخشنده‌ی واقعی
۱۰۱	وقتی دل عزرائیل می‌سوزد

با نام خدا

جلال‌الدین محمد؛ معروف به «مولانا» و «مولوی» از بزرگ‌ترین دانشمندان و عارفان مسلمان است. او در سال ۶۰۴ هـ. ق در شهر «بلخ» دیده به جهان گشود. پدرش که بهاء‌ولد نام داشت، به لقب «سلطان العلماء» معروف بود و نزد سلطان محمد خوارزم شاه محترم بود. اما وقتی شاه خوارزم بر او خشم گرفت، همراه فرزندش جلال‌الدین محمد به قصد زیارت خانه‌ی خدا از بلخ بیرون آمد و دیگر به خوارزم بازنگشت.

جلال‌الدین محمد، در سن سی و هشت سالگی با عارفی بزرگ به نام شمس تبریزی ملاقات کرد. این ملاقات، اثر شگرفی بر جلال‌الدین محمد نهاد و او شیفته‌ی شخصیت شمس تبریزی گشت و دیوان شعر خویش را به نام او سرود.

اما «مثنوی معنوی» او که دارای ۲۶ هزار بیت شعر است، مشهورترین اثرش محسوب می‌شود. این کتاب دارای حکایت‌های بسیار شیرین و پندآموزی است که به نتیجه‌های دینی - اخلاقی خاتمه می‌یابد. هدف مولوی از سرودن مثنوی، نمایان ساختن یک انسان پرهیزکار و تقویت شخصیت او در پناه تعالیم مذهبی - اخلاقی است.

این عارف و شاعر بزرگ به سال ۶۷۲ هـ. ق در شهر قونیه - در ترکیه‌ی امروزی - وفات یافت و در همان سرزمین مدفون گردید.